

بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند.  
کارگران در این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نمی دهند،  
ولی جهانی را بدست خواهند آورد.  
کارگران جهان متحد شوید!

## اول ماه مه روز جهانی کارگر فرا میرسد

اول ماه مه کار را تعطیل می کنیم، با خانواده هایمان به خیابانها  
میآئیم و به این نظام نابرابر اعتراض می کنیم!

# زنده باد اول مه

پیام حمید تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری

بمناسبت روز جهانی کارگران

بشریت متمدن بیش از پیش راه رهایی خود را در هدف و آرمان طبقه کارگر، در سوسیالیسم، باز مییابد. امروز بیش از هر زمان دیگر این حقیقت خود را آشکار میکند که طبقه کارگر تنها با رهائی جامعه میتواند خود را رها سازد. پرچم بشریت متمدن، پرچم رهایی کل جامعه، در دست طبقه کارگرت.

کارگران!

جمهوری اسلامی وحشی ترین و عقب مانده ترین حکومت سرمایه داری در ایران است، باید آخرین آن نیز باشد. این حکم شما کارگران و خواست زنان و جوانان و معلمان و دانشجویانی است که در حزب و برنامه یک دنیای بهتر شما راه رهایی خود را یافته اند.

در اول مه امسال در یک صف متحد و یکپارچه به خیابانها بیایید، پرچم برابری و آزادی کل جامعه را برافرازید و ناقوس مرگ جمهوری اسلامی را بصدا درآورید.

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

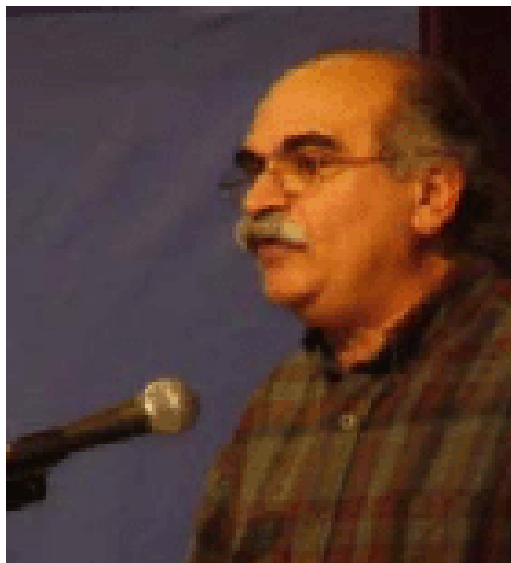
زنده باد سوسیالیسم!

حمید تقوایی،

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

ایران

۲۲ آوریل ۲۰۰۴



فرارسیدن اول مه، روز جهانی کارگر را به همه کارگران جهان تبریک میگویم. اول مه روز همبستگی و اتحاد و روز نمایش قدرت صف جهانی کارگران است. روز اعتراض و اعلام کیفر خواست طبقه کارگر جهانی به دنیای پر درد و محنت زده سرمایه داری معاصر.

کارگران!

دنیای امروز دنیای ما نیست. این جهان جنگ و تروریسم و کشتار، فقر و تبعیض و بیحقوقی و نابرابری، و سلطه جهل و خرافه و مذهب و ناسیونالیسم و قومپرستی بر مقدرات انسانهاست. این جهان سرمایه داری است. جهانی که در آن نیاز و حرمت انسانها فدای سود و سودآوری سرمایه میشود و مشتی انگل بیکاره با بانکها و ارتشها و دولتهایشان بر کل جامعه بشری حکومت میکنند. این دنیا باید زیرورو شود.

نه تنها کارگران بلکه اکثریت مردم دنیا قربانیان نظام سرمایه داری اند. اقلیتی ناچیز بخش اعظم ثروت را در اختیار خود دارند و اکثریت عظیم افراد جامعه در همه کشورها از بی حقوقی و بی تامینی و تبعیض و نابرابری رنج میبرند. سرمایه داری امروز برای حفظ این نظام ضدانسانی تمام ابزارهای عتیق و نوین تحمیق و سرکوب را بخدمت

گرفته است. از مذهب و ناسیونالیسم و قومپرستی تا انحصار بر مدیای خبری و تبلیغی جهانی و تا پیشرفته ترین تجهیزات و تکنولوژی نظامی و کشتار جمعی همه در جهت توجیه و تحمیل نظام سرمایه داری بخدمت گرفته شده اند. حاصل، جهان وحشتزده، نا امن، و به قهقرا کشیده شده ایست که ترور و رعب و وحشت و ناامنی به جزء لاینجزای آن تبدیل شده است. سرمایه داری معاصر دنیا را تا مرز توحش و سبعمیتی که نظیر آن را تنها در دوران تاریک قرون وسطی میتوان یافت به عقب برده است. و در مقابل،

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

نابود باد جمهوری اسلامی

## رهنمودهایی درباره اول ماه مه

مصاحبه با مصطفی صابر عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران



**انقلاب کارگری:** چند روزی به برگزاری روز جهانی کارگران اول ماه مه باقی نمانده است، شما بعنوان یک فعال کارگری و یک فعال کمونیسم کارگری چه رهنمودهای مشخصی به فعالین کارگری و کمونیست برای هر چه با شکوه برگزار کردن این روز دارید؟

**مصطفی صابر:** بقول شما چند روزی بیشتر نمانده و طبیعا برای اینجور کارها از خیلی پیش باید تدارک دید و حتما فعالین کارگری و رهبران کارگری تدارک خودشان را دیده اند. بهر حال من میکوشم کمی در مورد تاکتیک رژیم صحبت کنم و اینکه نباید از رژیم رودست خورد. همینطور اینکه چه جهتی را باید برگزید.

ولی قبل از آن با اجازه شما میخواهم راجع به مساله ای که مستقیما به اول ماه مه مربوط

نیست ولی به نظر من دارای چنان اهمیتی است که باید در همین اجتماعات اول ماه راجع به آن صحبت کرد، نکته ای را بگویم. مساله این است که کارگران هرچه بیشتری و دستکم و بویژه فعالین کارگری باید سعی کنند که کامپیوتر تهیه کنند و روی اینترنت بیایند. بقول نامه یکی از فعالین حزب (در جوانان کمونیست ۱۳۸ چاپ شده) این یک نقطه ضعف مهم کارگران است. کارگران باید از این ابزار اینترنت برای متحد شدن، متشکل شدن و طرح خواسته ها و نظرات خود و صحبت با مردم و جامعه استفاده کنند. در این مورد کارگران ایران به شدت عقب اند. (البته حتی در اروپا و آمریکا هم می بینیم که تشکل های کارگری با آنهمه امکانات وقتی به اینترنت و استفاده از آن میرسند چقدر دست و پا چلفتی و عقب اند، نه فقط نسبت به بوژروازی که حتی به نسبت مثلا جوانان و دانش آموزان و گروههای سیاسی.) میدانم هزار و یک مشکل و بویژه فقر مالی بر سر راه است. اما اگر عزم و اراده و درک ضرورت آن موجود باشد، میتوان از پس مشکلات برآمد. (راستش همین الان هم هرچند به کندی اما شروع شده.) اینترنت یک وسیله مدرن و سریع ارتباطی و سازماندهی است. درست است که نمی تواند جایگزین محافل و شبکه ارتباطات کارگری و مجمع عمومی و شورا و خلاصه حضور شخصی و چشم در چشم نگاه کردن و بحث کردن زنده باشد، ولی میتواند کمک بزرگی به همه اینها باشد. بخصوص در اختناق جمهوری اسلامی اینترنت یک وسیله سریع و موثر مبارزاتی میتواند باشد که خیلی از موانع استیساد

حاکم را دور بزند. اینجا بیش از این وارد بحث نمی شوم، شاید کمی افراطی بنظر برسد ولی به نظر من یکی از مضامین اول ماه مه باید این باشد: کارگران کامپیوتر تهیه کنید! به اینترنت مجهز شوید! از این ابزار ارتباط اجتماعی به نفع خود استفاده کنید! اما در مورد تاکتیک رژیم. اکنون میتوان گفت که رژیم اسلامی و خانه کارگرش چند سالی است که بازی موش و گریه در می آورند. خانه کارگر راهپیمایی اعلام میکند، رژیم کمی «مقاومت» میکند، بعد سرانجام «قبول» میکند، خانه کارگر اعلام «پیروزی» میکند و کرکری میخواند و تبلیغات میکند، دم دمای آخر راهپیمایی را لغو میکند و یا مسیره های عجیب و غریب میدهد و خلاصه رژیم و خانه کارگرش همه را سر کار میگذارند. امسال هم مثل اینکه همینطور باشد. یک نمایش تکراری و مسخره ولی متأسفانه هنوز موثر. چرا اینطور است؟ چونکه کارگران بهر دلیل حرکت مستقل خودشان را ندارند و یا صحیح تر حرکات مستقل کارگران محدود میشود به اجتماعات معمولا کوچک و کم اهمیت در این گوشه و آن گوشه (به استثنای چند شهر کردستان) و عملا همه امیدشان به این است که از فرصت اجتماعی که خانه کارگر فرا میخواند استفاده کنند و بیایند حرف خودشان را بزنند. (و چند بار هم با این تاکتیک رژیم و خانه کارگرش را غافلگیر کرده اند.) به نظرم اساس این تاکتیک که بطور خودبخودی جریان دارد و حاکم است همواره دست پایین به کارگران میدهد. ابتکار در دست کارگران نیست. باید مصرا نه تلاش کرد این وضع را عوض کرد. باید تلاش کرد اجتماعات بزرگ، علنی

و در سطح شهر و مستقل از رژیم ایادی اش برگزار کرد. دستکم باید کلک های خانه کارگر را برای همه توضیح داد، باید قویا ابتکار عمل را از دست اینها درآورد و نگذاشت که اول ماه مه بدون اجتماعات و تظاهرات وسیع کارگران با شعارها و خواسته های خودشان بگذرد.

در این میان فراخوانی که حزب ما داده است یک راه حل قطعی و روشن برای هرچه قوی تر برگزار کردن اول ماه مه است. یعنی اینکه روز اول ماه (امسال ۱۲ اردیبهشت) را تعطیل کرد و به خیابانها آمد. خبرهایی که دیده ام حاکی از جنب و جوش برای اول ماه مه است ولی حقیقتا مطمئن نیستم که چقدر برای فراخوان تعطیل کار و اجتماعات مستقل در همان روز اول ماه (۱۲ اردیبهشت) کار شده است. به نظر میرسد تلاشها بیشتر در همان چهارچوب کارهای سال قبل است (که به جای خودش خوب ولی ناکافی است) و کمتر در این جهت است که اول ماه را تعطیل کنیم و به خیابان بیاییم و آنرا به یک واقعه سیاسی با پیام روشن کارگران به جامعه تبدیل کنیم. این برداشت من است و ممکن است اشتباه کنم.

اما نکته ای که در جوانان کمونیست (۱۳۸) هم به آن اشاره کردم این بود که امسال با توجه به جنب و جوش های بیشتر کارگران (و این را میشود از بالا و پایین پریدن خانه کارگر هم خوب فهمید)، با توجه به اینکه معلمان در تدارک اعتصاب برای چند روز بعد از اول ماه هستند، و با توجه به اینکه دانش آموزان آمادگی بیشتری برای حمایت از معلمان نشان میدهند، به نظر میرسد که این زمینه هست که کارگران

و معلمان روز اول ماه را تعطیل کنند و دانش آموزان و دانشجویان وسیعا از آنها حمایت کنند و اول ماه تبدیل بشود به یک روز وسیعتر اعتراض علیه وضع موجود. اول ماه فقط روز اعتراض کارگر برای کاهش ساعت کار و طرح مطالبات مستقیم خودش نیست، روزی است که کارگر حرف خودش و راه حل خودش به کل جامعه را ارائه میداد. یک وقتی مطالبه ۸ ساعت کار بدراجات این خاصیت را داشت، امروز در ایران متحد کردن همه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی امر بلافصلی است که در مقابل کارگران و جامعه قرار دارد. اول ماه ای که نه فقط از سوی کارگران بلکه بویژه معلمان تعطیل شود و با حمایت دانش آموزان و دانشجویان روبرو شود، پیام بسیار مهم و کوبنده ای برای جمهوری اسلامی خواهد داشت و کارگران را در سیاست ایران به جای دیگری خواهد برد. این اگر صورت بگیرد به نفع همه خواهد بود و بویژه اعتصاب و مبارزه معلمان را بلافاصله در سطح دیگر و در موقعیت قدرتمندتری قرار خواهد داد.

آیا چنین چیزی عملی است؟ واضح است که خیلی کار و تلاش میخواهد. اما خود رژیم فی الحال از چنین احتمالی وحشت کرده است. (چند خبر در این رابطه بود و از جمله مسئول خانه کارگر خوزستان به صراحت بند را آب داده بود.) بعلاوه، اگر کارگران کمونیست و فعالین و رهبران کارگری، نمایندگان معلمان و دانش جویان و دانش آموزان کمونیست و آزدیخواه تماما پشت آن بیایند، چرا که نه؟ بهر درجه که این حاصل باشد، ولو اینکه فقط یک هفته هم فرصت باشد، خیلی کارها میتوان کرد!

### انقلاب کارگری

شنبه ها  
منتشر میشود

سردبیر: امیر توکلی  
تلفن:

00 358 405 821 776

ایمیل:  
tavakoli@hotmail.com

مسئول توزیع

ناصر اصغری  
nasser\_asgary@yahoo.com

نشریه از این سایتها  
قابل دسترسی است

www.kargaran.org  
www.rowzane.com

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

# اول ماه مه یک گام مهم در متحد شدن و متحد ماندن کارگران است

مصاحبه با اسد گلچینی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران



**انقلاب کارگری:** جنب و جوش برگزاری باشکوه اول ماه مه روز جهانی کارگر در بین فعالین کارگری در جریان است. شرایط سیاسی امروز برای برگزاری هرچه وسیعتر این مراسم جهانی را چگونه می بینید و رهنمودتان برای فعالین کارگری و کمونیست چیست؟

**اسد گلچینی:** شرایط سیاسی ایران که خیلی مناسب دخالت آگاهانه طبقه کارگر است. راستش رهایی از نکتت جمهوری اسلامی و این نظام استثمار و بردگی انسان در ایران و همه مصیبتهای دیگر ناشی از حاکمیت اینها، با حضور متحد و آگاهانه طبقه کارگر ممکن است. اگر در سالهای قبل از انقلاب و در تاثیر گذاری جنبش ها بر روند عمومی اوضاع سیاسی، حضور سیاسی و سازمانی حزب طبقه کارگر خالی بود و به همین دلیل هم این طبقه و چپ نتوانست از قدرت سهمی و یا همه قدرت را داشته باشد. اکنون حضور حزب کمونیست کارگری بعنوان بخشی از طبقه کارگر این حضور را تامین کرده است. شرایط از این لحاظ و هم از لحاظ اینکه جنبش عظیمی برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی در جریان است، مهیاست. جنبشهای جوانان، کارگران، زنان و مبارزات معلمان و دیگر اقشار مردم محروم از آزادی و برابری در جامعه، جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار داده است. نسل جوان به کمتر از وضعیت زندگی، معیشت، کار و فرهنگی که در دنیای متمدن وجود دارد قناعت ندارد و

مهم در متحد شدن و متحد ماندن کارگران نقش ایفا کند. مراسم های توده ای در اول ماه مه و بیان درد و مصیبت های واقعی طبقه کارگر و جامعه و راه برون رفت از آن یعنی آزادی و برابری سوسیالیسم از طرف همه رهبران و فعالین این جنبش میتواند جنبش کارگری و اعتراض رادیکال و انقلابی اش را یک گام دیگر به جلو پرتاب کند.

**انقلاب کارگری:** رژیم اسلامی تحت فشار فقط در مورد تهران مسیری را از میدان استقلال مشخص کرده است. آنهم یکروز قبل از اول ماه مه. نظرتان در این مورد چیست؟

**اسد گلچینی:** حکومت اسلامی و خانه کارگرش که اجازه این راه پیمایی را گرفته است، در طول ۲۵ سال گذشته از کارنامه ننگین و مشترکی به نسبت وضعیت کنونی طبقه کارگر و بقیه اقشار جامعه برخوردارند. اینها بدون تردید در برابر مبارزه و قیام و انقلاب کارگران و مردم محروم هم سرنوشتند.

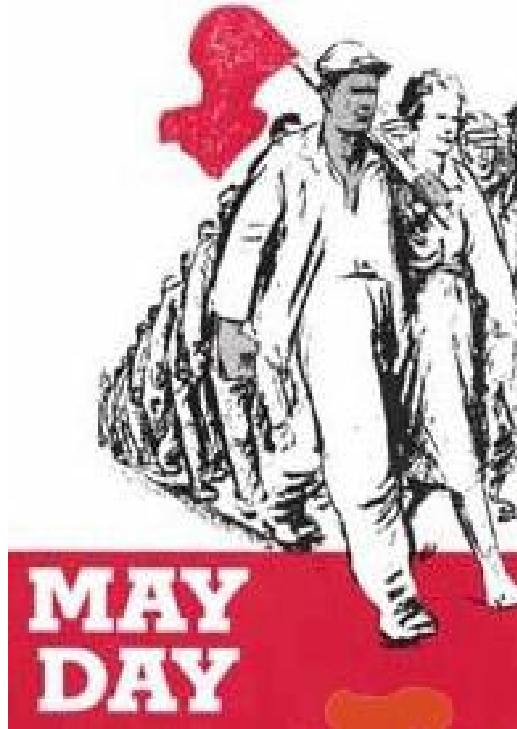
به نظر من خانه کارگر و طرحهای همچون همیشه باید در کنار طرح های وزارت اطلاعات و نیروهای امنیتی و انتظامی و هر فرماندار و استاندار رژیم گذاشته شود. مساله و مشغله خانه کارگر هم همان مساله و مشغله های اینهاست و ربطی به طبقه کارگر و کارگران ندارد. نماینده خانه کارگر در استان گلستان به گویا ترین شکل بیان کرده و میگوید که مساله آنها حفظ نظام است. راه پیمایی تهران هم در همین نقشه می گنجد. خانه کارگر و شوراها و شوراهای مختلف های دست بخشهای مختلف بورژوازی بوده اند. بنظرم باید مثل همیشه از طرف کارگران تو دهنی بخورند. در تهران و آنهم در یک مسیر محدود که همه راه های ورود و

مه در خطبیه ها و سخنرانی هایشان اعتراض طبقه کارگر به نظام استثمار و مالکیت خصوصی و کار مزدی و مطالبات فوری را بیان کنند. بنظر من مهم است که در همه مراسم هایی که در ایران در این روز برگزار میشود یکی از اهداف آن به جلو راندن پیشروان و رهبران کارگری به جلو صحنه باشد، جنبش

کردن باشد، میتواند روزی برای اعتراض باشد و میتواند روزی برای ابراز وجود رهبران کارگران برای مبارزه خود کارگران و همه مردم ستمدیده باشد. همه اینها به نظرم مهمترین مشغله و مسایل پیشروی فعالین کارگر و سوسیالیست و کمونیستها در جنبش کارگری باید باشد و تلاش شود تا بیشترین

هر لحظه با حاکمیت جمهوری اسلامی و وجود کشیف اش درگیر است. خود جنبش کارگری در ابعاد بسیار گسترده ای با رژیم و سرمایه داران رودر روست، سالهای اخیر جنب و جوش و اعتراض در مراکز مهم کارگری در مورد معیشت، دستمزدها، مساله اخراج و بیکار سازی، گرانی و ... در جریان بوده است. اخراج ها در سالهای اخیر که برای تخفیف بحران کنونی سرمایه در ایران و نجات رژیم که همچنان هم قرار است ادامه پیدا کند، به اوج خود رسیده است و صدها هزار کارگر و خانواده هایشان را از محیط کار و بهرمندی از همان زیر خط فقری هم که داشتند، محروم تر کرد. بهشهر و خاتون آباد، سد کارون و نساجی ها، و بسیاری کارگاه و کارخانه در اطراف ایران به موضوعات مهمی در صحنه کشمکش اجتماعی تبدیل شدند، رژیم به کشتار کارگرانش دست زد و لکه ننگینی بر دامن بسیار جنایت بارش افزود، علامتی برای وارد شدن بسیار خشن بورژوازی در برابر جنبش کارگری بود و به نظر من این تکان بزرگی به کل جنبش طبقه کارگر و همه فعالین و رهبران کارگری داد.

اول ماه مه امسال نیز در چنین فضایی در میان کارگران بر پا میشود. روز کارگر در ایران همیشه خود مورد کشمکش جدی کارگران و سرمایه داران و رژیم اسلامی بوده است. مهمترین مساله برای ما و تعداد قابل توجهی از فعالین کارگری و سوسیالیست، حضور قدرتمند و متحد کارگران در اول ماه مه است. طبقه کارگر در این روز همبستگی جهانی، در این روز و اعتراض کارگران به دنیای موجود و تحمل ناپذیر بورژوازی به خیابان می آید تا اتحاد و همبستگی اش را به نمایش بگذارد. اول ماه مه میتواند روزی برای همین متحد



کارگری بعد از اول ماه مه باید از چهره هایی بسیار بیشتر برخوردار شود. کارگران و جامعه باید رهبران جنبش خود را که هر روزه و در بطن مبارزات متعددی که در جریان است به جامعه هم عرضه کند. از آنها حمایت کند، آنها را تنها نگذارد و با جان و دل از آنها حمایت کند و از جمله پیام این مراسم ها و این سخنرانان این مساله مهم هم میتواند باشد که هر مبارزه کارگری از حمایت دیگر کارگران برخوردار شود و هیچ مبارزه ای بدون پشتیبانی و حمایت نماند. مهم است که از نظر رهبران و فعالین جنبش کارگری اول ماه مه یک گام

نیرو برای مراسم و تجمع های این روز آماده شوند. بنظر من هدف باید این باشد که کارگران هر چه بیشتری در معرض تبلیغ و آشنایی با اول ماه مه و تجمع های این روز و جشن همبستگی جهانی کارگران آشنا شود و جلب شود. مردم به تنگ آمده به مراسم ها فرا خوانده شوند، جوانان، زنان و معلمان و ... به مراسم های کارگران جلب شوند. از همه کارگران در کارخانه و محل کار، خانواده های کارگران، و جوانان در محل، به مراسمهای کارگران بیایند. در این مراسم فعالین و برگزار کنندگان اول ماه

# معلمان به استقبال اعتصابی دیگر میروند

شهلا دانشفر



تلاش برای شکستن اتحاد آنان به اشکال مختلف انجام میگیرد. به مدیران مدارس بخشنامه ارسال شده است که معلمان اعتصابی را معرفی کنند. اما علیرغم همه اینها معلمان بر روی اعتصاب خود در روز ۱۳ اردیبهشت ماه مصممند.

اولین واکنش دولت به اولتیماتوم معلمان تشکیل جلسه ای از سوی مقامات دولت و نمایندگان کانون صنفی معلمان با حضور مقاماتی از سوی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی

بدنبال اولتیماتوم معلمان برای اعتصاب در ۱۳ اردیبهشت ماه ما شاهد واکنش های مختلفی از سوی دولت بودیم و هم اکنون این مساله به موضوع داغی در سطح رسانه های دولتی و در سطح جامعه تبدیل شده است. همه جا صحبت از اعتصاب معلمان و تعطیل مدارس است. در برخورد به این موضوع دوباره بازار وعده و وعید از سوی رژیم بالا گرفته است. در کنار وعده و وعیدها تهدید و احضار معلمان معترض و

کشور نیز اعتصاب معلمان را غیر قانونی خواند و مقامات وزارت کشور و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی فشار سیماتیکی را بر روی معلمان وارد کردند تا اطلاعیه خود مبنی بر اعتصاب در اردیبهشت ماه را پس بگیرند و آنرا لغو کنند. بدنبال این جلسه و علیرغم همه این فشارها معلمان اعلام کردند که روز ۱۳ اردیبهشت دست به اعتصاب زده و برای پیگیری خواستههایشان در مقابل آموزش و پرورش تجمع خواهند داشت. خنده دار اینکه

بود. در این جلسه گفته شد که تصمیم گیری در مورد میزان حقوق معلمان در دست بررسی است و تا پایان اردیبهشت اعلام خواهد شد و از آنان خواسته شد که اعتصاب در روزهای اعلام شده را ملغی کنند. وزارت

حاجی وزیر آموزش و پرورش از قول معلمان انجام هر گونه اعتصابی در آن روز را تکذیب کرد. در هر حال این کشاکش هم اکنون همچنان ادامه دارد و در سطح تمامی نواحی آموزشی در تهران و در شهرهای دیگر اطلاعیه های مربوط به اعتصاب معلمان در ۱۳ اردیبهشت پخش شده و از همه مردم و دانش آموزان در دبیرستانها خواسته شده است که از مبارزه و خواستههای آنها حمایت کنند.

## معلمان به ۱۰۶ هزار تومان حقوق در ماه تن نمیدهند

معلمان برای افزایش و تحول اساسی در سطح دریافتی هایشان و نیز ایجاد تفرقه و شکاف در صفوف مبارزه آنها. تکه تکه کردن دستمزد و حقوق ها همیشه تلاشی بوده برای مخدوش کردن خواست افزایش دستمزدها و حقوق ها و گره زدن مزد و حقوق به مولفه ای غیر از کار. واقعیت اینست که یک کارگر، یک معلم و کسی که کاری را ارائه میدهد و در ازای کار خود مزد و حقوق دریافت میکند و نیز وارد کردن مولفه های دلخواهی و نامتعینی چون رابطه با اولیا، خلایق و غیره تحت عنوان رتبه بندی مشاغل و طرح طبقه بندی و غیره ربطی به خواست افزایش حقوق و دستمزدها ندارد. بعلاوه اینکه امروز همزمان کردن دو مساله تعیین حداقل حقوق معلمان با طرح رتبه بندی مشاغل تلاشی برای سردرگمی معلمان برای پیگیری خواست فوری خود خواست افزایش حقوقهاست. واقعیت اینست که میزان افزایش حقوقی که در سال ۸۳ برای معلمان در نظر گرفته شده است یعنی مبلغی بین ۱۷ تا ۲۰ هزار تومان، در کنار رشد هر روزه نرخ تورم و

در جریان کشاکش بر سر تعیین میزان حقوق معلمان در سال ۸۳ و در پی اولتیماتوم آنان برای اعتصاب در ۱۳ اردیبهشت ماه، در روز ۳ اردیبهشت ماه تصمیم دولت مبنی بر میزان حداقل حقوق معلمان در سال ۸۳ اعلام شد. شهاب الدین غندالی معاون پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش در گفتگو با خبرنگاران رسانه های دولتی اعلام کرد که حقوق معلمان در سال ۱۰۶ هزار تومان افزایش یافته است. قابل توجه اینکه بنا بر این تصمیمات بخشی از افزایش حقوق معلمان به طرح رتبه بندی و ارتقای شغلی معلمان احاله شده است که به موجب آن هر معلم بنا بر میزان مدرک تحصیلی، سنوات کاری، سابق تجربی، اختراع و کیفیت شغلی، رابطه با اولیا، دانش آموزان و غیره رتبه بندی و امتیازگذاری میشود و متناسب با امتیازاتی که به او تعلق میگیرد درصدی به حقوق وی افزوده خواهد شد. آوردن این طرح در کنار تعیین میزان حقوق معلمان در سال ۸۳ از پاسخگویی به خواست

بهداشت، غذا، پوشاک و تحصیل فرزندانشان محرومند. تعیین این سطح از حقوق و دستمزد حتی از همان نرخ سطح فقر در جامعه که از سوی جمهوری اسلامی اعلام شده است پایینتر و به طور واقع یکسوم سطح خط فقریست که رسماً و بارها و بارها از سوی دولت اعلام شده است. اتخاذ چنین تصمیمی یعنی شانه بالا انداختن در برابر خواست معلمان. معلمان در اعتراضاتشان بارها و بارها اعلام کرده اند که دیگر نمیخواهند زیر خط فقر زندگی کنند و خواهان تحولی اساسی در سطح حقوق و دریافتی هایشان شده اند. اما خواستههای معلمان پاسخ نگرفته است. از اینرو امروز در همه جا در میان معلمان صحبت از اعتصاب و اعتراض است و معلمان برای شروع اعتصاب خود روز شماری میکنند. واقعیت اینست که میزان حقوق معلم را نه سطح فقر بلکه تامین یک زندگی انسانی متناسب با استانداردهای امروز بشریت تعیین میکنند. معلمان، کارگران خواهان همان سطح از حقوق و دستمزدی هستند که امروز به یک وکیل مجلس

و به یک مقام ارشد دولتی تعلق میگیرد. معلمان دیگر به چنین تحقیری تن نخواهند داد و روز ۱۳ اردیبهشت روز اعتراض معلمان به این تصمیم و روز مبارزه برای پیگیری خواستههایشان است. واقعیت اینست که خواست معلمان خواست کارگران نیز هست. امروز بیش از هر وقت هم سرنوشتی معلمان و کارگر و بخش های وسیعی از جامعه را شاهدیم. روز اول نشان دادن این همسرنوشتی و پیوند مبارزاتی است. روز اول ماه مه باید روز اعلام همبستگی از مبارزات در بخش های مختلف جامعه و شاهد پیامهای همبستگی معلمان از خواستهها و مبارزات کارگران و بویژه خواست افزایش دستمزدها و شرکت وسیع آنان در مراسم این روز باشیم. همچنین جا دارد در روز اول ماه مه یک بند مهم قطعنامه های کارگران حمایت از خواستهها و مبارزات معلمان در روز ۱۳ اردیبهشت ماه باشد. اول ماه مه فرصتی است که قطعنامه های اعتراضی معلمان در این روز

ادامه اول ماه مه یک گام مهم

ادامه

## مبانی کمونیسم کارگری

اشکال مختلف این پیوستگی را همچنان نگه میداریم. به این معنی باید کمونیسم کارگری تبیین تاریخی خودش را بدهد. تبیین تاریخی خودش از تکامل چپ را بدهد و بر سر آن بایستد.

حزب کمونیست کارگری، آن حزبی است که در تبلیغاتش از انقلاب کارگری حرف میزند. مستقیماً برای انقلاب کمونیستی فراخوان میدهد. ما در این سمت قدم برداشته ایم، وقتی شعار حکومت کارگری را جای جمهوری انقلابی و غیره گذاشته ایم. در این جهت گام برداشته ایم. فراخوان به انقلاب کمونیستی باید یک امر معمول باشد و تاکتیک هم باید بعنوان تاکتیک سر جای خودش قرار بگیرد. حزب سوسیالیستی، حزب کمونیست کارگری قاعدتاً باید اول فریاد بزند "زنده باد انقلاب کمونیستی" و اگر به او گفتند پس این یا آن مساله چه میشود؟ تاکتیکش را بگوید. حزبی که انقلاب کمونیستی اساس حرفش باشد و به همان شیوه ای که گفتیم، شیوه ای که به خرج مردم برود، در آنها رسوخ کند.

ولی انقلاب کمونیستی الان در تبلیغات ما چه جایگاهی دارد؟ من الان دقیقاً نمیدانم رادیو صدای حزب کمونیست و بویژه صدای انقلاب راجع به انقلاب کمونیستی چه میگویند. میدانم برنامه ای از صدای انقلاب ایران در مورد وضعیت کارگران کرد در جزیره تنب کوچک و بزرگ پخش شد، من وقتی شنیدم با خودم گفتم دیگر در تنب کوچک و بزرگ ملیت کارگر را ول کنید. از صبح تا شب چند بار لغت انقلاب کمونیستی و چند بار لغات ایران، کرد، جمهوری اسلامی و غیره به زبان ما میآید؟ دیگر باید حرف انقلاب کمونیستی را زد. دیگر دارد قرن بیست و یکم میشود.

حزب کمونیستی کارگری باید برنامه روشنی برای تغییر فوری ساختار اقتصادی اجتماعی جامعه داشته باشد. مثل رهبر جامعه حرف بزند. بگوید "وقتی سر کار بیایم این وضعیت اقتصادی را با این برنامه های سیاسی برقرار میکنم." سوسیالیسم کارگری نمیتواند در موضع آذیتاسیونی صرف بماند، و درموضع ترویج صرف بماند. در موضع بیان نیات سوسیالیستی بماند. باید حزبی باشد که قصد دارد تغییر معینی را بوجود بیاورد و برای آن تغییر فراخوان میدهد. بهرحال، از نظر عملی، تجسمی که از یک حزب کمونیستی کارگری میشود داد، بنظر من به بهترین وجهی میشود از مانیفست کمونیست پیدا کرد. من این جنبه صحبتیم را خلاصه میکنم. و بعد از آنجا رهسپار مقوله عرصه ها، تاکتیکها و غیره شد.

ادامه در شماره بعد

## اطلاعیه دوم

## مراسم سالگرد منصور حکمت

مراسم یادبود منصور حکمت روز شنبه ۱۰ ژوئیه ساعت ۲ بعداز ظهر در گورستان های گیت در لندن آغاز میشود و سپس در سالنی در نزدیکی های گیت ادامه خواهد یافت. جزئیات برنامه این روز را بعداً با اطلاع شما خواهیم رساند. باین ترتیب از شما دعوت میکنم که در این مراسم شرکت کنید تا با هم یاد این انسان عزیز و ارزشمند را گرامی بداریم. لطفاً بمنظور تسهیل شرکت تان در مراسم و انجام هر چه بهتر تدارکات، شرکت تان در مراسم را بما اطلاع دهید.

salgardinfo@yahoo.co.uk

تلفن جواد اصلانی: ۰۵۸۷۰ ۳۰۴ ۷۸۱ ۴۴+

آذر ماجدی

۲۴ آوریل ۲۰۰۴

در نیاید. بهر حال مراسم خانه کارگر همچون همیشه باید به خود این مزدوران محدود بماند و از طرف کارگران و مردم شاهد این نمایش، "هو" شوند. امیدوارم همه فعالین اول ماه مه و همه فعالین کمونیست و سوسیالیست، روز کارگر را به روزی برای آزادی و برابری تبدیل کنند و در روز های باقی مانده بیشترین تلاش برای جلب کارگران، جوانان، زنان و معلمان به تجمع ها و مراسم های اول ماه مه بشود و فضای شهرها و مراکز کار فضای مملو از استقبال از اول ماه مه (۱۲ اردیبهشت) روز اتحاد و همبستگی جهانی کارگران باشد.

و مذهبی دیگری، تره خورد میکنند؟ چنین مراسم و راه پیمایی هایی به یک جشن بزرگ و به یک مراسم بزرگ و اعتراضی کارگران و مردم ستمدیده تبدیل خواهد شد و جنبش کارگری و جنبش سرنگونی یک گام مهم دیگر به جلو بر خواهد داشت، قدمی که میتواند یک ضربه بزرگ بر رژیم باشد. اینها به کارگران و فعالین مراسم های اول ماه مه اجازه نمیدهند تا به چنین نتایجی دست یابند و این همه دلچک بازی خانه کارگر هم برای تعویض روز اول ماه مه از ۱۲ اردیبهشت که روز کارگر است به ۱۱ اردیبهشت، هم در این رابطه است. فکر میکنند که باید استبداد و خفقان و فریب را حفظ کنند تا این غول بحرکت

خروجش را با نیروی انتظامی میگیرند و خیابانهای اطرافش را با نیروهای امنیتی قرق میکنند! به خانه کارگر هم در این وسط اجازه داده اند که راه پیمایی کند و علتش هم این است که فضای تهران و حتی نارضایتی مزدوران خودشان را میدانند. همه شهرهای دیگر را هم مجوز نداده اند چون میدانند نمیتوانند هیچ کنترلی بر آنها داشته باشند. فرض کنید که به خانه کارگر در بهشهر و ایزه و تهران و اصفهان و شیراز و سنندج و سقز و ... اجازه راه پیمایی بدهند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا کارگران و مردم برای سخنرانان و مزدوران خانه کارگر و نمایندگان فعلی و نمایندگان اخراجی مجلس و هر ملی

## رادیو و تلویزیون ۲۴ ساعته «کانال جدید»

را به دوستانتان معرفی کنید!

تلویزیون هر روز از ساعت ۸ تا ۱۰ شب

به وقت تهران و رادیو در ۲۲ ساعت بقیه

روز بر روی همین طول موج پخش میگردد

Satellite: Telstar 12

Center Frequency: 12608

MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization: Horizontal

ادامه معلمان به ۱۰۶ هزار تومان

در مراسم کارگران خوانده شود و مورد حمایت و پشتیبانی کارگران قرار گیرد. وظیفه رهبران کارگری و فعالین اعتراضات معلمان است که این افق و این هم سرنوشتی را در میان همکاران خود بوجود آورند. کارگران در مجامع عمومی کارگری و معلمان در نشستهای خود در مدارس این موضوع را به بحث بگذارند و از هم اکنون به استقبال بر پای یک اول ماه مه با شکوه در روز ۱۲ اردیبهشت روز جهانی کارگر و در تدارک اعتصاب بزرگ و سراسری معلمان در روز ۱۳ اردیبهشت برویم و برای جلب یک همبستگی بزرگ بکوشیم.

زنده باد اول ماه مه

زنده باد اعتصاب سراسری معلمان در ۱۳ اردیبهشت ماه

" Let the ruling classes tremble at a  
Communist revolution. The proletarians  
have nothing to lose but their chains. They  
have a world to win."

WORKERS REVOLUTION

Nr. 23

24.04.2004



## مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری (مارس ۱۹۸۹)

قسمت هجدهم

کمونیسم کارگری و حزب

باشد. منظورم تبلیغ سوسیالیسم است و نه آموزش دادن آن. سوسیالیسم را تبلیغ کند. یعنی سوسیالیسم را بعنوان پاسخ مطرح کند، یا سوسیالیسم را منطقاً بعنوان چاره درد کسی نشان بدهد، سوسیالیسم را تبلیغ کند. همانطور و با همان روحی که معدنچی وقتی میگوید "من پول ذغال سنگها را داده ام" دارد سوسیالیسم را دارد تبلیغ میکند. اما این حزب سوسیالیسم را تبلیغ نمیکند. وقتی تبلیغ میکنند، مساله خرد است. وقتی ترویج میکنند، مساله وسیع و طبقاتی است. قرن بیستم دارد تمام میشود قاعدتا باید بشود سوسیالیسم را تهییج کرد. حزب کارگری سوسیالیستی را از روی این میشود شناخت که چه طور دارد سوسیالیسم را تهییج میکند و چطور این تهییج به خرج مردم میرود. به خرج آن طبقه اجتماعی ای که نماینده اش است میرود.

یک حزب کمونیست کارگری باید پیوندهای ارثی خودش را با چپ پیش از خودش واقعا و رسماً قطع کند. خیلی ها را دیده ام تاریخ مبارزات خودشان را میسراندند به وقتی که سه طبقه آنطرف تر داشته اند و هنوز اینها ظاهر در وجود این شخص بهم پیوسته است. در حالی که باید بیاید علیه این میراث حرف بزند. همانطوریکه بلشویسم علیه میراث نارودنیسم حرف میزند. ما هم حرف زدیم. اما در

روی کتاب درمیآید تا از زندگی واقعی. همانطور که گفتم حزب کمونیست نمیتواند به چیزی جز رهبر کارگری متکی باشد. یکی از رفقا از سر انتقاد اشاره کرد که در تبلیغات ما وقتی مبلغ میگوید "رهبر عملی" طبقه کارگر، معنی اش این است که خودم رهبر "نظری اش" هستم و دارم راجع به یک نوع رهبر دیگرش حرف میزنم. اما من فکر میکنم این بیان غلطی نیست. کارگر رهبر عملی دارد، رهبر روزمره دارد. کسانی هستند در محیط فعالیتشان عده ای از کارگران را بدور خود جمع میکنند. و اگر او به حکومت شوراها آری بگوید، کارگران هم به حکومت شوراها آری میگویند و اگر نه بگوید ممکن است آنها هم نه بگویند. هر چقدر هم ما کار کرده باشیم. بالاخره یک عده ای مخالفت میکنند، اینطوری ای موافقت میکنند، اینطوری موافقت میکنند. مقوله رهبر کارگری و کارگر ذینفوذ، بنظر من باید در این احزاب جا باز کند و حزب، حزب شبکه کارگران ذینفوذ باشد.

یک نکته دیگر اینست که تناقضی که ظاهراً بین تبلیغ بر سر مبارزه جاری و اصلاحات و غیره با تبلیغ بر سر سوسیالیسم وجود دارد، قاعدتا باید در این احزاب حل شده

این حزب، باید حزبی باشد مناسب برای فعالیت کارگران. و این یک تفاوت اساسی است که وقتی به احزاب موجود نگاه میکنیم می بینیم. حزب ما (حزب کمونیست ایران) و صد حزب مثل ما جای مناسبی برای فعالیت کارگران نیست. اما حزب کمونیست کارگری، باید ظرف طبیعی و مناسبی برای فعالیت سیاسی کارگر باشد. و این یک بحث جدی اساسنامه ای، سبک کاری و روشی است. فقط بحث اخلاقیات نیست. همانطور که گفتم، حزب کمونیست، حزبی است دخیل در مبارزه اقتصادی، در مبارزه برای اصلاحات. این معنی فوری اش اینست که حزبی است که این توانایی را بدست آورده است که دخیل باشد. قابلیت کار توده ای دارد. حزبی است که قابلیت کار علنی دارد. بنظر من حزبی که نتواند کار علنی-توده ای سازمان بدهد نمیتواند حزب کارگری بماند، حتی اگر به این عنوان شروع شده باشد. همیشه گرایشاتی مثل "محافل فلسفی" در کارگران درست کرد و این شدنی است. کارگران هم بخشی از کارشان اینست. همان کارگری که به محافل فلسفی سمپاتی دارد، بالاخره فردا دنبال مسائلی در کارخانه است، دنبال طرح طبقه بندی اش است، دنبال قانون کار است و دنبال قانون اساسی مملکت که باید راجع به کارگر در آن اظهار نظر بشود هم هست. رابطه اش

را هم باید با ارتش تنظیم کند، رابطه اش با سپاه پاسداران برایش مساله است. حزب کمونیست همانطور که مارکس میگوید باید با این دقایق همراه باشد. به این اعتبار طبقه کارگر باید برای حزب کمونیست پدیده معلومی باشد. حزب باید مکانیسم های مبارزه این طبقه را بشناسد. بنظر من احزاب کمونیستی فعلی، کارگر را از دریچه نگرش بورژوا در تولید نگاه میکنند. مکانیسم های زیست و سوخت و ساز درونی این طبقه برای احزاب کمونیست فعلی آشنا و روشن نیست. نه با ذهن کارگر و مشغله ذهنی اش آشناست و نه مشاهدات مشترکی با کارگر دارد که بتواند مبنای تبلیغات خود قرار دهد و نه فشارهای اجتماعی ای که به کارگر در هر مقطع وارد میاید را حس میکند. خیلی ها در این چپ میدانند بحال مثلاً بر دانشجویان در ایران چه گذشته است، یا چه به روز کردها آمده است. اما اینکه بر کارگران در این شش سال چه گذشته است، حزب کمونیست حتی تلقی درستی از این مساله ندارد. خانواده کارگری دارد به چه روزی میافتد، شرایط کار به چه روزی درآمده، احترام اجتماعی کارگر الان در جامعه چگونه است؟ هزار و یک نکته است که میشود با کارگر حس کرد و اینها در این احزاب سیاسی محسوس نیست. تبلیغاتشان هنوز از

من تا اینجا سعی کردم کمونیسم کارگری را بعنوان یک واقعیت اجتماعی، بعنوان یک جهان نگری معین، یک دستگاه فکری، بعنوان یک انتقاد از سوسیالیسم های دیگر، بعنوان منتقد تاریخ سوسیالیسم و غیره، بحث کنم. میرسیم به بحث (کمونیسم کارگری) بعنوان رهنمود و نسخه ای برای نوع معینی از کمونیسم، برای ایجاد نوع معینی از کمونیسم در عمل. شکل دادن یک پراتیک متفاوت کمونیستی.

بگذارید برای اینکه زیاد وقت را نگرفته باشم، فقط تجسمی از نوع حزب و احزابی که میشود به آنها حزب کمونیست کارگری اطلاق کرد. بنظر من برای چنین حزبی جنبش اجتماعی، جنبش طبقاتی و مبارزه روزمره و دائمی طبقه کارگر علیه سرمایه داری در صدر اولویت قرار میگیرد. به این معنی که گفتم کانون تشکیل این حزب، کانون رشد این حزب، در درون طبقه است. بخش اعظم انرژی اش آنجا صرف میشود، به تمام مسائل این مبارزه محیط است. و فعالینش، فعالین این مبارزه تشکیل میدهد. رهبران، رهبران شناخته شده این مبارزه اند و هر قدر کوچک یا بزرگ باشد، در پیش و پس رفتن این مبارزه اجتماعی دخیل است. از نظر بافتش، حزبی است کارگری. دربرگیرنده عناصری از طبقه کارگر است. کارگر به معنی عینی و ابژکتیو کلمه. به این اعتبار برای اینکه یک چنین حزبی وجود داشته باشد، قاعدتا

آزادی برابری حکومت کارگری